

بازپژوهی خروج از منزل بدون اذن شوهر از منظر قاعده‌ی لاضرر

ابوالقاسم علیدوست*

محمد عشایری منفرد**

چکیده

شریعت مبارک اسلام برای تعادل بخشی به نهاد مقدس خانواده حقوق و تکالیفی را بر عهده‌ی اعضای آن نهاده است. فقیهان اسلام در چارچوب دانش فقه با جستاری روشمند در پی یافتن این حقوق و تکالیف هستند، بر اساس یافته‌های ایشان یکی از حقوقی که خداوند متعال برای مرد به رسمیت شناخته این است که همسرش بدون اذن یا رضایت او از منزل خارج نشود. در روزگاری که شیوه‌های جدید زندگی زن را از خانه به فضای جامعه (و در خانه به فضای مجازی) کشانده است این مسئله با پرسش‌هایی مواجه شده است. در این مقاله ابتدا به بررسی جایگاه فقهی این موضوع پرداخته شده و در ادامه به ارتباط این حق مرد با عنوان ثانوی «ضرر و ضرار» نقبی زده شده است.

کلید واژه

خروج زن از منزل، اذن شوهر، نشوز، شرط ارتکازی، لاضرر.

*- مدرس درس خارج حوزه‌ی علمیه‌ی قم و عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

** - پژوهشگر و مدرس سطوح عالی حوزه‌ی علمیه‌ی قم.

- تاریخ دریافت ۹۰/۲/۴ تاریخ تصویب نهایی ۹۰/۳/۱۸

(۱) طرح مسئله

مسئله‌ای که فقیهان در پیوند با این موضوع به بررسی آن می‌پردازند این است که آیا خروج زن از خانه بدون اذن شوهر جایز است؟ این پرسش خود می‌تواند به دو سؤال تفکیک شود؛ خروج زن از منزل در مواقع منافات با حق استمتاع مرد چه حکمی دارد؟ خروج زن در مواقعی که امکان استمتاع وجود ندارد - مثل مسافرت مرد یا مُحرَم بودن او - چه حکمی دارد؟

ممکن است پاسخ این پرسش دربردارنده‌ی یک حکم وضعی یا یک حکم تکلیفی باشد؛ اگر فقیه زنی را که بدون اذن همسرش از خانه خارج شده ناشزه بداند، حکمی وضعی داده که همه‌ی آثار نشوز مانند عدم استحقاق نفقه بر آن مترتب می‌شود، اما اگر فقیه این عمل زن را یک عمل حرام بداند حکمی تکلیفی داده که صرفاً مستوجب عقاب اخروی است. این امکان نیز وجود دارد که فقیه در پاسخ این پرسش هم حکم تکلیفی بدهد و هم حکم وضعی.

(۲) دیدگاه‌ها

برای پاسخ به پرسش فوق فقیهان شیعه دو دیدگاه را مطرح کرده‌اند:

(۱-۲) دیدگاه اول: اشتراط همیشگی خروج زن به اذن شوهر

برخی فقیهان شیعه مانند سید ابوالحسن اصفهانی و امام خمینی (ره) خارج نشدن زن از خانه بدون اذن شوهر را حق مستقلی برای شوهر دانسته‌اند (اصفهانی و خمینی ۱۳۸۰: ۷۵۴)، شهید ثانی هم در مقام شمارش حقوق زوج بر زوجه این امر را حق مستقلی برای شوهر دانسته است (جبعی عاملی ۱۴۱۳: ج ۸، ص ۳۰۸) هرچند که در مقام

بازپژوهی خروج از منزل بدون اذن شوهر از منظر قاعده‌ی لاضرر

استدلال برای اثبات این حق، آن را از لوازم حق استمتاع می‌داند (همان: ۳۳۷). برخی از فقیهان تصریح کرده‌اند که حتی در مواردی مانند مسافرت شوهر، که هیچ منافاتی با حق استمتاع او ندارد، زن بدون اذن او حق خروج ندارد (آملی ۱۳۸۰: ج ۱۲، صص ۵۵ و ۵۶). دسته‌ی دیگری از فقیهان با اینکه این امر را حق مستقلی برای مرد نمی‌دانند، اما به دلیل محدود نکردن حق استمتاع به زمان و مکان خروج زن از خانه را به اذن شوهر مشروط کرده‌اند (نجفی: ج ۳۱، ص ۱۸۳). بر اساس این دیدگاه، خارج شدن زن از خانه بدون اذن شوهر از نظر تکلیفی حرام و از نظر وضعی موجب نشوز است؛ شوهر نیز می‌تواند از خارج شدن زن - حتی برای عیادت پدر و مادرش یا شرکت در تشییع جنازه‌ی آنها - جلوگیری کند. هرچند که مستحب است شوهر برای شرکت در مراسم تشییع جنازه‌ی پدر و مادر به همسرش اذن خروج بدهد (همان).

ارباب این دیدگاه برای حرمت خروج بی‌اذن زن استثنائاتی نیز در نظر گرفته‌اند و معتقدند در مواردی که زن بخواهد برای ادای یک حق شرعی واجب مانند حج و اجبی که بر عهده دارد از خانه خارج شود، مرد نمی‌تواند مانع از خروج او شود. البته برخی از ایشان این موارد استثنایی را کمتر و برخی دیگر بیشتر برشمرده‌اند؛ برای مثال آیت الله فاضل لنکرانی هشت گونه از خروج را استثنا کرده و مشروط به اذن ندانسته است؛ فتوای وی در جامع‌المسائل چنین است:

براساس منابع فقهی، لازم است زوجه‌ی به عقد دائم، جهت خروج از منزل رضایت زوج را جلب کند. از این قانون کلی موارد زیر استثنا شده است:

۱- خروج از منزل برای کسب معارف اعتقادی به مقدار لازم و ضروری و همین طور برای فراگیری وظایف شرعی الزامی؛

۲ - خروج برای معالجه‌ی بیماری، چنانچه امکان درمان در منزل نباشد؛

- ۳- خروج برای فرار از ضررهای جانی و مالی و عرضی؛
- ۴- خروج برای انجام واجبات عینی که موقوف بر خروج از منزل است مانند سفر حج، شرکت در انتخابات یا نجات نفس محترمه؛
- ۵- چنانچه ماندن در منزل، توأم با عسرو حرج غیر قابل تحمل باشد، خروج جایز است؛
- ۶- چنانچه در ضمن عقد نکاح انتخاب مسکن و اشتغال به مشاغل اداری به زوجه محوّل شده باشد و به عنوان شرط در ضمن عقد، برای خود سلب محدودیت کرده است؛
- ۷- خروج برای تأمین معاش، چنانچه شوهر او قادر به آن نباشد یا از انفاق سرپیچی کند؛
- ۸- خروج از منزل برای تظلم و دادخواهی» (www.lankarani.ir).

۲-۲) دیدگاه دوم: اشتراط خروج زن به اذن شوهر فقط در صورت تنافی با حق استمتاع او

برخی فقیهان شیعه خارج نشدن زن از منزل بدون اذن شوهر را حق مستغلی برای مرد نمی‌دانند. در این دیدگاه برای مرد فقط حق استمتاعات جنسی به رسمیت شمرده شده و خروج زن از خانه از باب منافاتی که با این حق مرد دارد مشروط به اذن او شده است. بر این بنیان در مواردی مانند مسافرت که موضوع استمتاع مرد منتفی است، خروج زن از خانه را به اذن شوهر مشروط کرده‌اند. از ارباب این دیدگاه فقیهانی مانند آیت الله خوئی را می‌توان نام برد (خوئی: ج ۲۰، صص ۱۰۰ و ۱۰۱ و ج ۳۳، ص ۱۷۶).

برخی دیگر از فقیهان معاصر مانند آیت الله تبریزی و آیت الله مکارم شیرازی اگر چه خروج زن از خانه را بدون اذن شوهر به صراحت جایز ندانسته‌اند، اما با احتیاط واجب نشان داده‌اند که در دیدگاه مشهور هم تردید دارند (تبریزی: ۱۳۸۰: ۳۰۱ و ۳۰۲)؛

بازپژوهی خروج از منزل بدون اذن شوهر از منظر قاعده‌ی لاضرر

(<http://persian.makarem.ir>).

در کتاب‌های فقهی، چیدمان ابواب فقهی به گونه‌ای است که برای یک فقیه چندین بار فرصت بررسی این مسئله به وجود می‌آید؛ یکی در باب نکاح در مبحث حقوق همسران و دیگری در باب حج در مبحث اذن شوهر برای سفر حج زن و محقق خوئی با اینکه در باب نکاح به وضوح از دیدگاه دوم دفاع کرده (خوئی، همان: ج ۳۳، ص ۱۷۶)، اما در باب حج دیدگاه اول را تقویت کرده است (خوئی: ج ۲۶، ص ۲۲۳؛ خوئی ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۲۷۷). عبارتی که در باب نکاح و برای تأیید دیدگاه دوم از قلم وی تراویده به گونه‌ای است که انتساب دیدگاه رقیب را به او دشوار می‌کند؛ برای مثال، درباره‌ی سفر زن بدون اذن همسرش آورده است: «هیچ دلیلی بر حرام بودن سفر زن به صورت مطلق وجود ندارد، بلکه حتی اگر شوهرش نهی کرده باشد باز هم سفرش حرمتی ندارد تا چه رسد به اینکه اذن نداده باشد، مگر اینکه سفرش موجب نشوز شده و از این رو با حقوق شوهرش منافات پیدا کند، تنها در این صورت است که سفر زن حرام می‌شود چون فقط برای حرمت همین گونه از سفر دلیل داریم، روایاتی هم که بر حرمت خروج زن از منزل بدون اذن شوهر دلالت می‌کند بر همین مورد (منافات با حقوق شوهر) حمل می‌شود چون قرائن نشان می‌دهد مراد آن روایات از خروج هم فقط خروج بی‌بازگشت یا خروج اعراض گونه‌ای است که مصداق نشوز باشد؛ به هر حال برای حرمت خروج بی‌اذن زن از خانه - به طوری که قدم گذاشتن به بیرون از خانه حتی برای بیرون بردن زباله یا خروج از خانه در زمان مسافرت شوهر یا زندان شدن او یا ... هم حرام باشد - هیچ دلیلی وجود ندارد» (خوئی: ج ۲۰، ص ۱۰۰).

۳) ادله‌ی دیدگاه‌ها

در دین اسلام اصل بر جایز و مباح بودن همه‌ی افعال است. از سوی دیگر بر اساس قاعده‌ی سلطنتِ هر شخص بر نفس خودش - که از فحوای قاعده‌ی سلطنت بر مال برداشت می‌شود - اسلام انسان را موجود مختار و آزادی می‌داند که اگر از چارچوب‌های شریعت خارج نشود بر همه‌ی شئون خود تسلط داشته و هیچ کس حق ایجاد محدودیت برای او را ندارد، مگر اینکه ثابت شود دین چنین حقی را به او داده است (طباطبایی حکیم ۱۴۱۶: ج ۱۰، ص ۱۷).

بر این اساس، ضرورت مأذون بودن زن برای انجام دادن اعمالش - مانند خارج شدن از منزل - فقط در صورت اثبات در شریعت مقدس اسلام مقبول است. لذا فقهای طرفدار دیدگاه نخست باید وجود چنین حقی برای شوهر را با ادله اثبات کنند، اما ارباب دیدگاه دوم همین که بتوانند دلالت ادله‌ی آنها را با مشکل مواجه کنند ادعایشان اثبات می‌شود.

۳-۱) ادله‌ی دیدگاه اول

الف - اجماع

در بحث اجماع باید از ملا عبد الأعلی سبزواری یاد کرد که در باب نکاح یکی از اسباب تحقق نشوز را خروج بی‌اذن زن از خانه دانسته و برای اثبات آن علاوه بر روایات به اجماع نیز تمسک کرده است. (سبزواری ۱۴۱۳: ج ۲۵، ص ۲۱۹).

ب - روایات

برای اثبات دیدگاه اول، به چند روایت تمسک شده که می‌توان آنها را به دو دسته

بازپژوهی خروج از منزل بدون اذن شوهر از منظر قاعده‌ی لاضرر

تقسیم کرد.

دسته‌ی اول روایاتی که از سند ارزشمندی برخوردار نیستند؛ این روایات عبارت‌اند از:

- روایت مرسله‌ای از شیخ صدوق (ره) است (ابن بابویه ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۴۴۰). البته اگر بر اساس مبنای فقیهانی که مرسلات صدوق (ره) را معتبر دانسته‌اند مشکل سندی این روایت حل شود باز هم برای حل مشکل دلالتی آن هیچ چاره‌ای وجود ندارد.
 - روایتی از کتاب قرب الإسناد است (حمیری ۱۴۱۳: ۲۲۶) که در اعتبار این کتاب مناقشاتی وجود دارد؛ برای مثال، شیخ اعظم انصاری آن را کتابی می‌داند که اکثر اصحاب به آن التفاتی نداشته و سخت از آن رویگردان‌اند (انصاری ۱۴۱۵: ج ۵، ص ۸۸).
 - روایت عبدالله بن قاسم حضرمی است (کلینی ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۵۱۳) که در کتب رجال غالی و ضعیف و متهافت شمرده شده (نقد الرجال: ج ۳، ص ۱۳۱) و صاحب حدائق هم دلالت آن را به چالش کشیده است (بحرانی ۱۴۰۵: ج ۲۴، ص ۶۱۱).
 - روایتی است از کتاب شریف کافی (کلینی ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۵۰۸) که سه تن از راویانش - جامورانی حسن بن علی ابن ابی حمزه و عمرو بن جبیر عزمی - از رجال معتمد نیستند (حائری مازندرانی ۱۴۱۶: ج ۵، ص ۳۱۴)، (مامقانی ۱۳۵۲: ج ۱، ص ۲۹۰ و ج ۲، ص ۳۲۶).
 - روایت صدوق از شعیب بن واقد از حسین بن زید است (ابن بابویه ۱۴۱۳: ج ۴، ص ۶) که این دو راوی نیز از رجال شناخته شده‌ی حدیث نیستند (خوئی ۱۳۹۸: ج ۱۰، ص ۱۳۸).
- دسته‌ی دوم روایاتی که از سند معتبری برخوردارند؛ این روایات عبارت‌اند از:
- صحیح‌های علی بن جعفر:

علی بن جعفر فی کتابه عن أخیه قال سألتُه عن المرأة أ لها أن تخرج بغير إذن زوجها؟ قال: لا ، ... (علی بن جعفر ۱۴۰۹: ۱۷۹)؛

علی بن جعفر در کتاب خود می‌نویسد از او (امام کاظم علیه‌السلام) درباره‌ی زن پرسیدم که آیا بدون اذن شوهرش می‌تواند خارج شود؟ فرمود: نه ، ...

- معتبره‌ی محمد بن مسلم:

عدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد عن ابن محبوب عن مالك بن عطية عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر (ع) قال: جاءت امرأة إلى النبيّ (ص) فقالت: يا رسول الله ما حقّ الزوج على المرأة؟

فقال: لها أن تطيعه و لا تعصيه و لا تصدّق من بيته إلاّ بإذنه و لا تصوم تطوعاً إلاّ بإذنه و لا تمنعه نفسها و إن كانت على ظهر قتب و لا تخرج من بيتها إلاّ بإذنه و إن خرجت من بيتها بغير إذنه لعنتها ملائكة السماء و ملائكة الأرض و ملائكة الغضب و ملائكة الرّحمة حتّى ترجع إلى بيتها (کلینی ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۵۰۷)؛

... امام باقر (ع) فرمودند: زنی به محضر پیامبر (ص) رسید و عرض کرد: ای پیامبر خدا، حق مرد بر گردن زن چیست؟ ایشان فرمودند: بر اوست که از شوهرش اطاعت کند، از خانه‌ی او بدون اذنش صدقه‌ای ندهد، بدون اذن او روزه‌ی مستحبی نگیرد، [از نظر جنسی] خود را از شوهرش دریغ نکند حتی اگر [با شوهرش] در کجاوه‌ی شتر باشند، و از خانه‌اش بدون اذن شوهرش خارج نشود؛ اگر هم بی‌اذن خارج شود تا زمان بازگشت، فرشتگان آسمان و فرشتگان زمین و فرشتگان غضب و فرشتگان رحمت لعنتش می‌کنند.

- موثقه‌ی سکونی:

علی بن ابراهیم عن ابيه عن النوفليّ عن السكونيّ عن أبي عبدالله (ع)؛ قال: قال

بازپژوهی خروج از منزل بدون اذن شوهر از منظر قاعده‌ی لاضرر

رسول الله (ص): أیما امرأة خرجت من بیتها بغير إذن زوجها فلا نفقة لها حتی ترجع

(ابن بابویه ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۴۳۹)؛

... امام صادق (ع) نقل کردند: پیامبر (ص) فرمودند: هر زنی که از خانه‌اش

بی‌اذن خارج شود [استحقاق] نفقه ندارد تا اینکه بازگردد.

ج - ملازمه‌ی عقلی

شهادت ثانی برای اثبات این ادعا نوشته است:

حق استمتاع بر زن واجب است، این حق اختصاص به زمان یا مکان خاصی ندارد پس زن

نمی‌تواند کاری بر خلاف این حق شوهر انجام بدهد مگر اینکه از او اذن گرفته باشد.

یکی از کارهایی که با این حق شوهر منافات دارد خروج از منزل است؛ حتی اگر این خروج

برای عیادت بستگان یا تشییع جنازه‌ی آنها باشد، چرا که این کارها حداکثر ارزشی که دارند

این است که مستحب هستند، اما رعایت حق شوهر واجب است بنابراین باید حق شوهر را

که واجب است بر اعمالی مثل عیادت و تشییع جنازه مقدم بدارد (جبعی عاملی، همان: ج ۸،

ص ۳۳۷).

د - ارتکاز متشرعه

آیت الله فاضل لنکرانی در بررسی دیدگاه مشهور تنها دلیل این دیدگاه را ارتکاز

متشرعه دانسته و تصریح کرده است که این دیدگاه هیچ دلیل معتبر لفظی ندارد (فاضل

لنکرانی ۱۴۲۱: ۴۷۹).

۳-۱-۱) بررسی ادله‌ی دیدگاه اول

برای رعایت اختصاری که تنگنای این مقاله، نگارندگان را از آن ناگزیر و بی‌گریز

کرده است، در بررسی ادله‌ی دیدگاه نخست به کمترین حد بسنده می‌شود.

نخستین دلیل این دیدگاه یک اجماع مدرکی است؛ بیش از یک قرن است که ارباب دانش اصول به اجماع‌هایی که مدرک مشخص یا احتمالی دارند و قعی نمی‌گذارند و به جای تأثیرپذیری از چنین اجماعی در نظریه‌پردازی خود به بررسی همان مدرکی می‌پردازند که اجماع را بر شاخسار خود رویانده است (برجودی ۱۴۱۵: ۵۴۰).

دومین - و البته محکم‌ترین - دلیل این دیدگاه روایات است؛ چنان‌که در نقل ادله‌ی دیدگاه نخست گذشت، روایات پشتیبانی‌کننده‌ی این دیدگاه اغلب از اعتبار لازم برخوردار نیستند. اتفاقاً شاید کم‌مناقشه‌ترین دلالت را هم همان روایت عبدالله بن قاسم حضرمی داشته باشد که آن هم از اعتبار لازم برخوردار نیست!

صحیح‌هی علی بن جعفر، معتبره‌ی محمدبن مسلم و موثقه‌ی سکونی هم هرچند مشکل سندی ندارند، اما ارباب دیدگاه نخست درباره‌ی چرایی و چگونگی دلالت این روایات بر یک حکم تکلیفی (حرمت خروج بی‌اذن) و یک حکم وضعی (نشوز) توضیح چندانی نداده‌اند.

دلالت صحیح‌هی علی بن جعفر بر حکم تکلیفی (حرمت خروج بی‌اذن) دلالت روشنی است اگر چه حکم وضعی نشوز از آن برداشت نمی‌شود، تنها مشکل این روایت این است که معلوم نیست خروج همان خروج از بیت است یا نه، اما دلالت دو خبر دیگر بر این دو مدعا با چالش‌های مهمی روبروست. برای مثال، در معتبره‌ی محمدبن مسلم که لعن و نفرین فرشتگان به عنوان مجازات خروج بدون اذن زن از منزل قلمداد شده، معلوم نیست که از لعن و نفرین فرشتگان کراهت شدید برداشت می‌شود یا حرمت؟! در ادله، برای اعمالی مانند تنها خوابیدن و تنها غذا خوردن که فقیهان حرامشان نمی‌دانند نیز تعبیر لعنت به کار رفته است (مجلسی ۱۴۰۴: ج ۶۳، ص ۳۴۷). ظهور یا عدم ظهور تعبیر لعنت در معنای حرمت یکی از چالش‌های دامنه‌دار

فقهی است که بررسی کامل آن از مجال این مقال خارج است.

صرف نظر از چالش دلالی تعبیر «لعنت» مشکل دلالی دیگر این روایت مفاهیمی مانند اطاعت مطلق زن در برابر شوهر است که التزام فقهی ندارد. با این حال به راحتی نمی‌توان این روایت را ناظر به حقوق الزامی مرد بر گردن زن دانست.

در موثقه‌ی سکونی نیز فقط یک حکم وضعی (نشوز و عدم استحقاق نفقه) مصرح است، پر واضح است که یافتن ملازمه‌ای خردپسند بین این حکم وضعی و حکم تکلیفی حرمت خروج کار ساده‌ای نیست!

معنای خروج

در معنای کلمه‌ی خروج چند چالش دلالی وجود دارد که به سه مورد از آنها اشاره می‌شود.

چالش یکم: خروج به معنای خروج بی‌بازگشت

چنان‌که پیش از این نیز اشاره شد، صاحبان دیدگاه دوم در فهم این روایات تعبیر خروج را شامل خروج چند دقیقه‌ای یا چند ساعتی نمی‌دانند بلکه آن را فقط بر خروج بی‌بازگشت یا اعراض گونه حمل می‌کنند.

این سخن درباره‌ی موثقه‌ی سکونی — که از آن فقط حکم نشوز برداشت می‌شود — درک کردنی است، چرا که این فقیهان در فهم روایت سکونی به مدد قرینه‌ی تناسب حکم و موضوع می‌توانند موضوع خروج را متناسب با حکم نشوز معنا کنند و از آنجا که خروج کوتاه مدت نمی‌تواند مصداق نشوز باشد به ناچار باید آن را به معنای خروج بی‌بازگشت یا خروج بلند مدتی دانست که با نشوز تناسب دارد.

چالش دوم: تفاوت معنای لغوی و متنی واژه‌های خروج و منزل

هرچند که کلمات به صورت مستقل از جمله معنادار هستند، اما موقعیت متنی کلمه‌ها نیز اغلب موجب تغییرات اندکی در معنایشان می‌شود. اگر چه این تغییرات گاهی فقط مصادیق معنا را تحدید یا توسعه می‌دهند. در این روایات نیز مشهور فقیهانی که کلمه‌ی خروج را به معنای هرگونه خروجی دانسته‌اند باید توضیح دهند که آیا خروج زن از خانه برای تحویل گرفتن بسته‌ی پستی از پستی هم مصداق معنای خروج است؟ آیا خروج برای بیرون بردن زباله هم خروج است؟ و ...

به نظر می‌رسد مصادیق معنای خروج سه دسته‌اند؛ دسته‌ی نخست، خروج‌های بلند مدت و خروج‌های بی‌بازگشت که قطعاً مشمول این روایات است. دسته‌ی دوم، خروج‌هایی در حد خروج برای بیرون بردن زباله و تحویل گرفتن نامه از پستی و ... که مشمول روایات نیستند. در این میان خروج‌های مشکوکی هم وجود دارند که نمی‌دانیم در دسته‌ی نخست می‌گنجند یا در دسته‌ی دوم، درباره‌ی همین مصادیق مشکوک که دسته‌ی سوم را سامان می‌دهند نمی‌توان حکم به حرمت خروج کرد، زیرا در روایات عنوان خروج نهی شده که صدق آن بر این مصادیق مشکوک است. چالش موجود درباره‌ی معنای کلمه‌ی خروج در کلمه‌ی بیت نیز وجود دارد. برای مثال، آیا خروج زن از واحد آپارتمانی خودش و رفتن او به واحد دیگری در همان طبقه از آپارتمان یا طبقه‌ی دیگری از همان ساختمان خروج از بیت حساب می‌شود؟ خروج از واحد آپارتمانی در حدی که از پله‌ها یا آسانسور خارج نشود هم خروج از بیت محسوب می‌شود؟ در مجموعه‌های آپارتمانی که محوطه‌ی مشترکی دارند محدوده‌ی بیت تا کجاست؟ آیا رفتن به فضای سبز محوطه خروج از بیت شمرده می‌شود؟ آیا در فضای مجازی هم بیت متصور است؟ آیا برای زن در فضای اینترنتی هم چیزی به نام بیت که خروج از آن نیاز به اذن داشته باشد متصور است؟

بازپژوهی خروج از منزل بدون اذن شوهر از منظر قاعده‌ی لاضرر

راستی معنای بیت در این روایات چیست؟

چالش سوم) روش‌شناسی امر و نهی‌های حکیمانه‌ی مبینان شریعت

باید دانست که روش برخورد شارع مقدس و اهل بیت (ع) با امور ناپسند رایج در میان مردم این بود که به اندازه‌ی گستردگی و شیوع آن امور ناپسند نهی خود را در مکان‌ها و زمان‌های مختلف با بیان‌های گوناگون تکرار می‌کردند و به اندازه‌ی شدت رسوخ آن امور یا به اندازه‌ی اهمیت آنها نهی‌های خود را تأکید می‌کردند، برخورد مبینان شریعت با امور ناپسندی که در جامعه رایج و راسخ شده بودند اگر با این کیفیت همراه نمی‌شد قطعاً بازدارندگی لازم را نداشت. بارزترین نمود این نهی‌های مکرر و مؤکد ایشان در برخورد با پدیده‌ی انحرافی قیاس، رباخوری و میگساری دیده می‌شود.

مشابه نهی‌های ایشان فرهنگ‌سازی برای امور پسندیده نیز وجود دارد؛ در این موارد نیز شدت و کثرت امر به اهمیت آنچه که می‌خواستند در جامعه به یک فرهنگ تبدیل کنند (مأمور به) بستگی داشت، یکی از جلوه‌های بارز چنین امرهایی امرهای کثیر و اکید ایشان به تقیه است. این عنصر را که می‌توان «تناسب شدت و کثرت بیان با اهمیت مبین و میزان ابتلای جامعه به آن» نامید باید در فهم و تحلیل روایات مورد توجه قرار داد.

خارج شدن زن از خانه آن هم وقتی بخواهد از خروج‌های کوتاه‌مدتی مثل دید و بازدید از همسایگان و بستگان گرفته تا سفرهای بلند مدت را شامل شود - به ویژه در جامعه‌ای که بسیاری از مردان به شغل‌هایی مانند تجارت و شبانی و جنگ و ... که با امکانات حمل و نقل آن روزگار که نیازمند سفرهای بلند مدت بوده اشتغال داشته‌اند - مسئله‌ای است که همه یا اکثر زنان جامعه به آن مبتلا بوده‌اند. این کثرت ابتلا مستلزم

آن بوده است که مبینان شریعت، مطلوب خود را با روایات فراوانی بیان کنند. از دیگر سوی، اگر زنان از نظر فقهی به خروج با اجازه ملزم می‌شدند پرسش‌های فراوانی بین زنان متشرع به وجود می‌آمد؛ پرسش‌هایی مثل اینکه آیا امکان جایگزینی اذن شوهر با رضایت قلبی ابرازنشده‌اش وجود دارد؟ در کسب اذن آیا باید مدت زمان ماندن در بیرون از خانه را هم دقیقاً به شوهر گفت؟ اگر زن در بیرون از خانه ناچار شد بیشتر از مدتی که برایش اذن دارد بماند چه؟ آیا خروج برای مسافت‌های کوتاه و راه‌های بسیار نزدیک هم نیاز به اذن دارد؟ و...؛ در آن صورت بازخورد آن پرسش‌های فراوان وقتی به امامان (ع) می‌رسید و از ایشان پاسخ می‌گرفت هر پرسش و پاسخی روایتی را سامان می‌داد.

بر این اساس باید پرسید که اگر منظور از خروج، همه‌ی خروج‌ها حتی خروج برای بیرون بردن زباله را هم شامل می‌شود چرا در نهی‌های امامان و امرهای ایشان خبری از آن کثرت و شدت نیست؟! آیا برای اینکه خروج از خانه با اذن شوهر به یک هنجار فرهنگی تبدیل شود همین چند حدیث انگشت شمار - آن هم با این وضعیت سند و دلالت - کافی بود؟ اندک بودن معنادار روایات و فقدان چنین پرسش و پاسخ‌هایی در میان احادیث شاید نشانه‌ی این باشد که پیروان ائمه چنین برداشتی از کلمه‌ی خروج در تعالیم آنها نداشته‌اند بلکه یا از خروج همان خروج بی‌بازگشت و خروج بلند مدت را برداشت کرده‌اند یا صرفاً یک توصیه‌ی اخلاقی بدون التزام فقهی را.

سومین دلیل - که از ذهن و زبان شهید ثانی (ره) بر آمده - ملازمه‌ی بین حق استمتاع زوج و حرمت خروج بی‌اذن زن از خانه است. برای بررسی این ملازمه خوب است به سخنی از صاحب مدارک - که خود در دیباچه‌ی مدارک، شهید ثانی را با

بازپژوهی خروج از منزل بدون اذن شوهر از منظر قاعده‌ی لاضرر

نام «أفضل المتقدمین و المتأخرین» ستوده است - توجه کنیم؛ برخی از فقیهان، حج استحبابی زن را به خاطر تنافی با حق استمتاع همسرش مشروط به اذن شوهر کرده‌اند، اما صاحب مدارک - هر چند سرانجام خود نیز با همان فقیهان هم رأی شده - در مقام نقد این استدلال معتقد است دلیل این فقیهان اخص از مدعایشان است، زیرا موافقی که شوهر به هر دلیلی امکان استمتاع نداشته باشد، حج استحبابی زن با حقوق شوهر تنافی ندارد تا به اذن او مشروط شود بنابراین حج زن فقط زمانی مشروط به اذن شوهر است که شوهر امکان استمتاع داشته باشد (عاملی ۱۴۱۱: ج ۷، ص ۹۱).

با الهام از همین سخن صاحب مدارک می‌توان ملازمه‌ی ادعا شده‌ی شهید ثانی را نیز با اشکال مشابهی مواجه کرد، چرا که در اینجا هم وقتی که شوهر امکان استمتاع دارد اگر زن بی‌اذن از خانه خارج شود حق او را تباه کرده و گرنه در زمانی که امکان استمتاع برای مرد وجود ندارد دیگر خارج شدن زن با کدام حق او تنافی دارد تا نیازی به اذن او داشته باشد؟!

چهارمین دلیل دیدگاه اول نیز ارتکاز متشرعه است؛ ارتکاز متشرعه همان انگاره‌های ذهنی متشرعان است که اغلب تحت تأثیر فتاوی مجتهدان و وعظ واعظان در ذهن ایشان سامان می‌یابد، چنین ارتکازاتی به خاطر ظنی بودن نمی‌توانند منبع استنباط واقع شوند (طباطبایی حکیم ۱۴۱۶: ج ۵، ص ۲۱۵)، اما با این حال همین ارتکاز اگر با قرآنی علم‌آور همراه باشد می‌تواند به مثابه منبع استنباط، اعتماد فقیهان را به خود جلب کند که در آن صورت نیز همان قرینه‌ی انضمامی منبع استنباط شده نه ارتکاز متشرعه. برای مثال، ارتکاز متشرعه اگر به سیره‌ی مستمر پیامبر (ص) یا امامان معصوم (ع) متصل باشد یا به هر نحو دیگری کاشف از حکم شارع باشد اعتماد کردنی است. چنان‌که گاه در شمایل کاشفیت از حکم شارع، مورد اعتماد فقیهان نیز قرار گرفته

است (خوئی ۱۴۱۸: ج ۲، صص ۲۷۵ و ۲۷۶).

۳-۱-۲) جمع بندی ادله‌ی دیدگاه اول

در ادله‌ی دیدگاه نخست تنها صحیحیه‌ی علی بن جعفر سندی مقبول و دلالتی به نسبت روشن بر حکم حرمت داشت که در آن هم معلوم نبود که منظور از خروج همان خروج از منزل است یا نه. موثقه‌ی سکونی نیز فقط بر حکم وضعی نشوز دلالت خوبی دارد. دیگر ادله‌ی ارائه شده ادله‌ی مقبولی نیستند.

۳-۲) دلیل دیدگاه دوم

مطابق قاعده‌ی سلطنت هر کس مادامی که از چارچوب شریعت خارج نشود بر خویشتن خویش مسلط است (مکارم شیرازی ۱۴۱۱: ج ۲، صص ۳۶ و ۳۷)، این قاعده کار ارباب دیدگاه دوم را در اثبات ادعای خود ساده می‌کند، چرا که زن نیز - مانند همه‌ی افراد دیگر - بر اعمال و رفتار خود تسلط دارد؛ تنها تفاوت او با دیگران در این است که چون بر اساس قرارداد نکاح زن موظف به ادای حقوق شوهر شده در مواردی که خروج او از خانه (یا هر عمل دیگرش) با آن وظیفه تنافی پیدا کند باید از شوهر اذن بگیرد تا امکان استیفای حقوق وی نیز وجود داشته باشد.

۴) از شرط ضمن عقد تا ارتکاز

ارباب دیدگاه مشهور با مسئله‌ی مهمی مواجه‌اند؛ ممکن است زنی هنگام عقد نکاح در قالب شرط ضمن عقد با شوهر خود شرط کرده باشد که اذن خروج از خانه در دست خودش باشد. آیا در این صورت هم خارج شدن از منزل بدون اذن شوهر حرام بوده و موجب نشوز می‌گردد؟

فقهایی که خروج بی‌اذن زن را مطلقاً حرام دانسته‌اند چنین شرطی را مخالف شرع یافته و در نتیجه آن را باطل دانسته‌اند و درباره‌ی اینکه آیا چنین شرط باطلی باعث باطل شدن یا باطل نشدن عقد هم می‌شود گفته‌اند عقد نکاح صحیح و فقط شرطش باطل است (اصفهانی و خمینی ۱۳۸۰: ۷۵۳).

به نظر می‌رسد این شرط، شرط باطلی نباشد چرا که شرط، زمانی باطل می‌شود که بر خلاف یک حکم شرعی باشد، اما در اینجا شرطی که زن برای اذن خروج خود با شوهر کرده با هیچ حکم شرعی تنافی ندارد بلکه فقط بر خلاف یکی از حقوق شوهر است، چون اشراف مرد بر اذن خروج زن یک حق است نه یک حکم شرعی، اگر هم تشکیک شود که آیا این امر حق شوهر است یا حکم شرعی اقتضای اصل آن است که حکم شرعی نباشد. بنابراین زن می‌تواند چنین شرطی را در ضمن عقد نکاح قرار دهد چنان‌که آیت الله فاضل لنکرانی (فاضل: مسئله‌ی ۱۶۳۱) و آیت الله مکارم شیرازی نیز به اعتبار چنین شرطی فتوا داده‌اند؛ استفتائی که از آیت الله مکارم شده است به نقل از سایت اینترنتی وی چنین است: «در صورتی که مرد با رفتن همسرش به دانشگاه، اداره و هر محیط دیگری مخالف باشد، زن شرعاً چه وظیفه‌ای دارد؟ باید رضایت شوهر را جلب کند؛ مگر اینکه در عقد ازدواج شرط کرده باشند» (<http://persian.makarem.ir>).

فقیهان در کنار چنین شرط‌های ضریحی از شرط دیگری - که گاه آن را شرط ارتکازی و گاه شرط ذکری نامیده‌اند - نیز یاد می‌کنند؛ منظور از شرط ذکری یا ارتکازی همان پیش‌انگاره‌های طرفین معامله است که در هنگام وقوع عقد در نهان‌خانه‌ی ذهن آنها جای دارد و قرارداد را خواسته یا ناخواسته بر اساس آن انگاره‌ها یا مشروط به آنها منعقد می‌کنند؛ در میان کسانی که این قراردادها را منعقد می‌کنند انگاره‌های مؤثر در

قرارداد شیوع گسترده‌ای دارد. این انگاره‌ها برای طرفین قرارداد چنان واضح و بدیهی است که طرفین هیچ نیازی نمی‌بینند به این شرایط تصریح کنند، اعتبار شرط ذکری در معاملات از نظر فقهی با اعتبار شرط صریح هم‌سنگ است (خوئی: ج ۳۰، ص ۲۰۲). حال که شرط صریح ضمن عقد را بدون مشکل یافتیم پرسش دیگر درباره‌ی شرط ذکری در ضمن عقد نکاح است. پیش‌فرض این پرسش این است که در شرایط اجتماعی کنونی در غالب ازدواج‌ها مرد خود می‌داند به خواستگاری همسری می‌رود که کارمند، دانش‌آموز، دانشجو یا ... و به هر حال فعال اجتماعی است، زن هم از پیش به صورت ارتكازی این را می‌داند که شوهر او را با همین وصف که یک فعال اجتماعی است انتخاب کرده است. بنابراین آیا می‌توان همین پیش‌انگاره‌ی طرفین عقد را یک شرط ذکری انگاشت؟

نگارندگان این مقاله بر آنند که ارتكازات موجود در جامعه را که عقد در فضای آن ارتكازات و بر اساس آن ارتكازات منعقد شده است نمی‌توان نادیده گرفت، تنها چیزی که می‌تواند شرط ارتكازی را منتفی کند این است که طرفین قرارداد در هنگام عقد خلاف آن ارتكاز را به صراحت شرط کنند، شاید این فتوای آیت الله مکارم شیرازی نیز بر همین بنیان مبتنی باشد که در پاسخ به استفتائی آورده است: «در صورتی که زوجه قبل از ازدواج اشتغال داشته و زوج هم آگاه بوده و در هنگام عقد ترک اشتغال را شرط نکرده می‌تواند آن را ادامه دهد» (گنجینه‌ی آرای فقهی- قضایی سوال ۹۰۷۷).

گاهی هم زن پیش از عقد ازدواج در تعهد دیگری خود را اجیر نهاد حقیقی یا حقوقی دیگری کرده و کارمند آنجا شده است، در این گونه موارد حتی اگر شرط ارتكازی را هم نپذیریم باز هم چون بر زن لازم است که به آن تعهد وفا کند مرد

بازپژوهی خروج از منزل بدون اذن شوهر از منظر قاعده‌ی لاضرر

نمی‌تواند مانع از خروج او بشود (فاضل: مسئله‌ی ۱۶۲۹).

۵) قاعده‌ی لاضرر و حرمت خروج بی‌اذن زن از خانه

لاضرر یکی از قواعد مهم دانش فقه است که در بسیاری از باب‌های علم فقه اثر دارد این قاعده از قواعد نادری است که فقیهان شیعه به بررسی آن ضمن کتاب‌های فقهی و کتاب‌های قواعد فقهیه قانع نشده و برخی از آنان به تکیه‌نگاری درباره‌ی آن نیز پرداخته‌اند.

بر اساس قول مشهور، قاعده‌ی لاضرر بیان می‌کند که در شریعت اسلام هیچ حکمی که موجب ضرر یا ضرار باشد وجود ندارد. برای همین است که هر گاه بر موضوعی عنوان ثانوی ضرر منطبق شود دیگر حکم اولیه‌ی آن موضوع منتفی می‌شود.

در بررسی نسبتی که قاعده‌ی لاضرر با خروج بی‌اذن زن از خانه دارد ابتدا به مفهوم‌شناسی کلمه‌ی ضرر و ضرار که در مستندات لفظی قاعده به کار رفته است پرداخته می‌شود.

ظاهر کلمه‌ی ضرر نقص در مال موجود یا آبرو یا نفس است. کلمه‌ی ضرار هم از مصدرهای باب مفاعله است. باب مفاعله اگر چه اغلب به معنای مشارکت دو فاعل در وقوع یک فعل به کار می‌رود، اما در معنای کثرت و تکرار یک عمل توسط یک فاعل واحد هم کاربرد زیادی دارد. برای مثال، در آیه‌ی خجسته‌ی «یخادعون الله و الذّین آمنوا» (بقره: ۹) کلمه‌ی یخادعون به همین معنا به کار رفته است. بنابراین کلمه‌ی ضرار هم به معنای ضرر زدن تکراری و کثیر به کار رفته است (بجنوردی: ۱۴۱۹: ج ۱، ص ۲۱۲).

این مقاله درصدد بیان این نکته است که ارباب دانش فقه و اصول فقه درباره‌ی این قاعده چه مبنای خاصی دارند که در نظریه‌پردازی آنها کاربست این قاعده را جهت‌دهی می‌کند. در قاعده‌ی لاضرر چند چالش مهم وجود دارد که هر یک از آنها به نحوی در تمسک فقهی به این قاعده اثرگذار است، این مقاله با بررسی تأثیر همین چند چالش در مسئله‌ی خروج زن از خانه به فرجام می‌رسد.

۵-۱) لاضرر به مثابه حکم فرعی یا یک قاعده‌ی فقهی

در دانش فقه احکامی وجود دارند که مختص مورد خاصی نبوده بلکه خود فرمولی هستند که خاستگاه استنباط احکام محدودتری می‌شوند. این احکام با وجود کلی بودن، حکم شرعی هستند نه ابزاری غیرحکمی برای کشف یک حکم، لذا مسئله‌ای اصولی شمرده نمی‌شوند. فقیهان این احکام کلی را قواعد فقهی نامیده و به صورت جداگانه درباره‌ی آنها بحث کرده‌اند. در مقابل این احکام کلی احکام فرعی قرار می‌گیرند که کلی نبوده بلکه مربوط به موارد خاصی هستند.

اینک باید دانست که لاضرر قاعده‌ی فقهی است یا حکم فرعی. یکی از تک‌نگاری‌های انجام شده درباره‌ی قاعده‌ی لاضرر متعلق به شیخ الشریعه‌ی اصفهانی است. وی در این کتاب بر خلاف نظر مشهور به این نتیجه رسیده است که لاضرر قاعده نیست بلکه فقط یک حکم فرعی اولیه و در کنار احکام اولیه‌ی دیگر است که بیان می‌کند انسان‌ها نباید به یکدیگر ضرری بزنند (اصفهانی ۱۴۱۰: ۱۹). بر اساس دیدگاه وی قاعده‌ی لاضرر مانند دیگر احکام اولیه است که هیچ نظارتی بر آنها ندارد. بنا بر این نظر، این حکم شرعی به حکم شرعی حرمت خروج بی‌اذن زن که حکم اولیه‌ی دیگری است هیچ ربطی پیدا نمی‌کند تا بر آن مقدم بشود یا نشود.

۲-۵) ترمینولوژی ضرر و ضرار

برای اینکه ارتباط قاعده‌ی لاضرر با حکم حرمت خروج زن از خانه معلوم شود باید دانست آیا آسیب وارده به زن به سبب خارج نشدن زن از خانه مصداق عنوان ضرر یا ضرار شمرده می‌شود یا نه؟ خارج نشدن از خانه ممکن است برای یک زن فقط آسیب روانی و فشار روحی داشته باشد، برای زن دیگری موجب بی‌آبرویی شود، برای زن دیگری موجب کاهش منفعتی شود که آن منفعت با خروج از خانه می‌توانست بیشتر از این باشد، برای زن دیگری موجب انتفای منفعتی بشود که آن منفعت با خارج شدن از خانه به دست می‌آید و برای زن دیگری موجب کاهش دارایی موجودش شود. کدام یک از این موارد مصداق ضرر یا ضرار شمرده می‌شود؟! روشن است که این آسیب‌های احتمالی اگر از مصادیق ضرر یا ضرار شمرده نشوند هیچ ارتباطی بین این مسئله و قاعده‌ی لاضرر به وجود نخواهد آمد.

بر اساس تعریف امام خمینی (ره) واژه‌ی ضرر بیشتر در زیان مالی و جانی اما واژه‌ی ضرار بیشتر در معنای ایجاد فشار و اضطراب و مضایقه و سخت‌گیری به کار می‌رود (موسوی الخمینی ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۳۱). چنین برداشتی از قاعده‌ی لاضرر این امکان را فراهم می‌کند تا بسیاری از مشکلات فراروی زن به خاطر خارج نشدن از خانه - حتی اگر در حد فشار و مضایقه و سخت‌گیری شوهر باشد - از مصادیق ضرر یا ضرار شمرده شود.

در مقابل این برداشت، مرحوم نائینی ضرر را فقط به معنای نقصانی می‌داند که در مال یا آبروی کسی ایجاد شود حتی اگر به صورت غیر عمدی و غیرارادی باشد، اما ضرار را به معنای زیان زدن عمدی و ارادی می‌داند (نائینی ۱۳۷۳: ج ۲، ص ۱۹۹). بر این اساس خارج نشدن زن از خانه اگر فقط نوعی سخت‌گیری و فشار برایش

شمرده شود از مصادیق ضرر شمرده نمی‌شود، چرا که این سخت‌گیری از مصادیق ضرر مالی یا ضرر آبرویی نیست. برای مثال، از نظر شرعی مردان نمی‌توانند زنی را که در عده‌ی طلاق رجعی است از خانه اخراج کنند. این حکم به صراحت در آیه‌ی آغازین سوره‌ی طلاق بیان شده است «لا تخرجهنَّ من بیوتهنَّ و لا یخرجنَّ إلاَّ أن یأتین بفاحشةٍ مَّبیَّنةٍ»، اما با این حال یک استثنا هم دارد قرآن کریم فرموده است: اگر آن زن با فحشاء، بدخلقی، فحاشی و بدزبانی مرد و خانواده‌ی او را آزار داد «إلاَّ أن یأتین بفاحشةٍ مَّبیَّنةٍ» مرد می‌تواند او را از خانه بیرون کند. محقق اردبیلی برای جواز اخراج چنین زنی از خانه علاوه بر نص صریح این آیه به قاعده‌ی لاضرر هم تمسک کرده است (اردبیلی: ۵۸۳). این تمسک مبتنی بر این پیش‌انگاره است که وی این گونه آزرده شدن مرد و خانواده‌ی او را از مصادیق ضرر یا ضرار بداند.

۳-۵) نهاد اجرایی قاعده‌ی لاضرر

قاعده‌ی لاضرر از منظر امام خمینی (ره) امری اجرایی و مربوط به حکمرانی حکمرانان است که اجرای آن فقط از وظایف و اختیارات حاکم است. اتفاقاً پیامبر (ص) هم وقتی مشاهده کردند که سَمُرَه بن جُنْدَب با سوء استفاده از قاعده‌ی سلطنت - که موجب اشراف و تسلط او بر درختش می‌شد - به یکی از مسلمانان ضرر وارد می‌کند، در راستای اجرای اختیارات حکومتی خودشان در تزامم پیش آمده بین قاعده‌ی لاضرر و قاعده‌ی تسلط سَمُرَه بر اموالش قاعده‌ی لاضرر را مقدم فرمودند. امام خمینی (ره) معتقد است این قاعده با هیچ یک از قاعده‌های دیگر معارضه‌ای ندارد تا بر آنها مقدم شود بلکه فقط می‌تواند با قاعده‌ی تسلط معارضه کند که در این صورت بر آن مقدم می‌شود (موسوی الخمینی، همان: ج ۱، ص ۶۳).

اگرچه امام خمینی (ره) در ادامه‌ی بحث خاطر نشان کرده است که این حکم

بازپژوهی خروج از منزل بدون اذن شوهر از منظر قاعده‌ی لاضرر

حکومتی پس از آنکه در آن روزگار توسط پیامبر (ص) اجرا شد دیگر بر همه‌ی امت لازم‌الاتباع است، اما باید دانست که احکام حکومتی کاملاً شخصی و جزئی بوده و فقط برای همان واقعه‌ای ارزشمندند که در آن صادر شده‌اند. بنابراین نمی‌توان یک حکم را هم حکم حکومتی و هم برای همه‌ی مکلفان لازم‌الاتباع دانست. شرح و بسط کلام درباره‌ی حکم حکومتی به مجال گسترده‌تری نیاز دارد (علیدوست ۱۳۸۸: ۶۹۲-۶۶۱).

بر این اساس در مسئله‌ی خروج زن از خانه، حتی در مواقع بروز مشکل در روابط زن و شوهر که مرد اذن خارج شدن را به همسرش ندهد و خارج نشدن او هم واقعاً از مصادیق ضرر باشد باز هم زن نمی‌تواند با استناد به قاعده‌ی لاضرر حق شوهر را منتفی کند، زیرا اجرای این قاعده از اختیارات حاکم و بر عهده‌ی اوست.

۵-۴) لاضرر و امتنان شارع

دانشوران فقه با تأمل در آیات و روایات مبین اصول و قواعد فقهی وضع برخی از اصول و قواعد را از جانب خداوند مظه‌ری از مظاهر مَنان بودن او یافته‌اند، این قواعد به قواعد امتنانی شهره شده‌اند، در دانش فقه تأکید می‌شود که قواعد امتنانی برای متشرعان امتنان حساب می‌شود، از این رو نباید دستمایه‌ی صدور فتوایی بشوند که برای بندگان خدا زحمت و کلفتی ایجاد می‌کند.

در این میان لاضرر را هم قاعده‌ای امتنانی یافته‌اند که فقیه نمی‌تواند با تکیه بر آن برای یک شخص آسایش و برای دیگری زحمت و کلفت ایجاد کند. اینک در مسئله‌ی خروج بی‌اذن زن از خانه بر اساس دیدگاهی که بی‌اذن خارج نشدن زن را حق مرد می‌داند، نمی‌توان بر اساس لاضرر فتوایی داد که حقی را برای زن احقاق و حق دیگری را از مرد سلب کند. در حقیقت محل اجرای قواعد امتنانی جایی است

که دو حکم تراحم کرده باشند نه مواردی مثل این مسئله که دو حق با هم تراحم کرده‌اند؛ چون برای رفع تراحم دو حق، همیشه باید حق از یکی از طرفین سلب و به طرف دیگر داده شود.

در دانش فقه سخن مشهور مبتنی بر این است که اصل‌ها و قاعده‌های امتنانی را امتنانی برای هر یک از افراد مکلفان بدانیم؛ یعنی قاعده‌هایی مثل لاضرر برای هر فرد از مکلفان امتنان جداگانه‌ای تلقی شود.

این احتمال نیز وجود دارد که امتنان‌های شارع مقدس نسبت به امت اسلام امتنانی برای فرد امت نبوده بلکه امت اسلامی به مثابه یک شخصیت یکپارچه‌ی به هم پیوسته لحاظ شده باشد و قاعده‌ای مثل لاضرر امتنانی برای این کل به هم پیوسته شمرده شود.

در این صورت نحوه‌ی اجرای قواعد امتنانی نیز تفاوت پیدا می‌کند. بدین معنا که در کاربست قواعد امتنانی دیگر نمی‌توان یک قاعده را به تعداد افراد مکلفان منحل کرد و از امتنانی برای این مکلف و امتنان دیگری برای آن مکلف سخن گفت، بلکه باید از یک امتنان کلی برای کل امت - که به مثابه یک پیکر لحاظ شده است - سخن گفت. لازمه‌ی چنین نگاهی به امت و قواعد امتنانی این است که در صورت اجرای قواعدی مانند لاضرر در حقوق افراد باید میزان ضرر دیدن این عضو امت را با میزان ضرر دیدن آن عضو امت مقایسه کرد و قاعده‌ی لاضرر را در حق آن عضوی از این پیکر جاری کرد که ضرر بیشتری می‌بیند. چون وقتی شارع در امتنان خود مکلفان را به مثابه اعضای یک پیکر لحاظ کرده باشد در هنگام رفع احکام ضرری هم مصلحت همان پیکر کلی را لحاظ می‌کند نه مصلحت هر عضو را در مقابل عضوی دیگر.

بازپژوهی خروج از منزل بدون اذن شوهر از منظر قاعده‌ی لاضرر

۵-۵) لاضرر و ضررهای دوگانه

فقیهان در مورد ارتباط قاعده‌ی لاضرر با کسی که با حفر کردن چاه در ملک خود به همسایه‌اش زیان می‌رساند تفصیلی را ارائه کرده‌اند که با مسئله‌ی خروج زن از خانه بی‌کم و کاست هم‌پوشانی دارد. تطبیق آن تفصیل بر مسئله‌ی خروج زن از خانه این است که مردی که با منع خروج همسرش از خانه موجب از بین رفتن دارایی موجود او (مثل ارث) یا با منع از رفتن او به دادگاهی که حفظ آبرویش به آن دادگاه وابسته است موجب از بین رفتن آبروی او می‌شود در یکی از چهار فرض زیر قرار دارد:

- ۱- اگر مرد به همسرش اذن خروج بدهد خودش متضرر می‌شود؛
- ۲- اگر مرد به همسرش اذن بدهد متضرر نمی‌شود، اما سودی را از دست می‌دهد (عدم النفع)؛
- ۳- اگر مرد به همسرش اذن بدهد نه دچار ضرر می‌شود و نه دچار عدم النفع، قصد او از ندادن اذن فقط زیان رساندن به همسرش است؛
- ۴- مرد با اذن دادن به همسرش نه دچار ضرر می‌شود نه دچار عدم النفع و نه قصد زیان رساندن به همسرش را دارد، بلکه بیهوده و بی‌جهت همسرش را منع می‌کند.

الف- بررسی فروض اول و دوم

در مسئله‌ی حفر چاه در فرضی مانند فروض اول و دوم، مشهور فقیهان حفر چاه را برای مالک جایز دانسته‌اند (خوئی ۱۴۱۷: ج ۳، ص ۵۸۲). بر پایه‌ی مبانی این نظریه در مسئله‌ی خروج زن از خانه نیز باید ممانعت مرد از خروج زن را جایز دانسته و او را در برابر زیان‌های همسرش ضامن هم ندانند.

بر اساس استدلال منسوب به مشهور در فروض اول و دوم اگر مرد همسرش را منع نکند برای خودش موجب حَرَج است. پس مرد طبق قاعده‌ی لا حَرَج و برای دفع

حرج از خودش می‌تواند همسرش را منع کند، اما قاعده‌ی لاضرر که او را از اضرار به همسرش منع می‌کند حق منع کردن او را منتفی می‌کند. در تعارض این دو قاعده قاعده‌ی لاحرج (که منع کردن مرد را جایز می‌کند) مقدم است، اگر هم تقدم قاعده‌ی لاحرج را نپذیریم هر دو قاعده پس از تعارض تساقط می‌کنند و مرد دوباره به همان وضعیت فرض نبود ضرر باز می‌گردد و می‌تواند مانع از خروج همسرش شود.

آیت الله خوئی با اینکه در فرض اول سخن مشهور را پذیرفته، اما در فرض دوم - که مالک با حفر نکردن چاه فقط دچار عدم‌النفع می‌شود- در مقابل مشهور نظر دیگری دارد (همان). وی بر اساس مبانی آن نظریه در اینجا هم باید معتقد شود که در فرض دوم هیچ حرجی برای مرد وجود ندارد بنابراین تنها قاعده‌ی موجود همان قاعده‌ی لاضرر است که حق منع مرد را منتفی می‌کند، پس اذن ندادن مرد در این فرض حرام و موجب ضمان مرد در برابر زیان‌های وارد به همسرش نیز می‌گردد.

ب- بررسی فروض سوم و چهارم

در مسئله‌ی حفر چاه، در فرض‌هایی مانند فروض سوم و چهارم، مشهور فقیهان تصرف مالک در ملک خودش را به خاطر زیان دیدن همسایه حرام و در صورت حفر چاه او را ضامن زیان‌های همسایه نیز می‌دانند (همان). این فقیهان در مسئله‌ی خروج زن از خانه هم در فروض سوم و چهارم به اقتضای قاعده‌ی لاضرر باید مانع شدن مرد از خروج زن را حرام و او را ضامن زیان‌های همسرش بدانند.

۵-۶) ضرر نوعی یا ضرر شخصی

ممکن است زن خاصی در شرایط خاصی قرار داشته باشد که در خانه ماندن برای او ضرر داشته باشد، اما برای نوع زنان ضرر نداشته باشد. از سوی دیگر ممکن است

بازپژوهی خروج از منزل بدون اذن شوهر از منظر قاعده‌ی لاضرر

در خانه ماندن برای نوع زنان ضرر داشته باشد اما زن خاصی در شرایطی باشد که از ماندن در خانه متضرر نشود. اینک باید روشن شود که قاعده‌ی لاضرر کدام یک از این ضررها را نفی می‌کند؟

بسیاری از فقیهان شیعه لاضرر را نافی ضرر شخصی می‌دانند نه ضرر نوعی. شیخ اعظم انصاری با کمی تردید به این نظریه متمایل شده (انصاری ۱۴۱۹: ج ۲، ص ۴۶۶)، پس از او هم در مدرسه‌ی محقق نائینی بر این نظریه پافشاری شده است (بجنوردی، همان: ج ۱، صص ۲۳۷ و ۲۳۸). در مقابل این دیدگاه برخی از بزرگان فقهات شیعه نیز بین عبادات و معاملات تفصیل داده و بر آنند که قاعده‌ی لاضرر در احکام تکلیفی ابواب عبادی ضرر شخصی، اما در معاملات ضرر نوعی را نفی کرده است (مامقانی: ۳۳۴).

اگر قاعده‌ی لاضرر نافی ضررهای شخصی باشد حکم ضرری را فقط از همان شخصی که ضرر متوجه او شده نفی می‌کند نه از همه‌ی افراد (همان)؛ یعنی اگر حرمت خروج بی‌اذن حکمی است که فقط موجب زیان دیدن برخی از زنان می‌شود این حکم فقط از همان زنان نفی می‌شود و به این بهانه نمی‌توان حکم را به صورت کلی از همه‌ی زنان نفی کرد.

نتیجه‌گیری

در میان روایات شیعه چند روایت نامعتبر و تعدادی روایت معتبر وجود دارد که در آنها خارج شدن زن از خانه به اذن شوهر متوقف شده است. بسیاری از فقیهان شیعه از این روایات برداشت کرده‌اند که زن برای هر گونه خروجی نیاز به اذن شوهر دارد و اگر بدون اذن او از خانه خارج شود فعل حرام انجام داده و ناشزه شمرده می‌شود، اما به دلیل مواجهه‌ی این برداشت با چالش‌های جدی برخی فقیهان از آن

رویگردان شده و فقط خروجی را حرام و موجب نشوز دانسته‌اند که با حق استمتاع شوهر تنافی داشته باشد. برخی دیگر نیز در آشوب این چالش‌های تئوریک ترجیح داده‌اند که با احتیاط واجب از ابراز نظر بپرهیزند.

برای نظریه‌ی مشهور غیر از همین روایات دلیل مقبول دیگری یافت نشد. سخنی که این مقاله با درنگی در پیش‌انگاره‌ی رایج زنان و شوهران در حین انعقاد عقد نکاح پیش کشید این بود که در بسیاری از ازدواج‌های امروزی در ضمن عقد نکاح یک شرط ذکر می‌گردد مبنی بر اذن خروج زن از خانه وجود دارد که حرمت خروج بی‌اذن پس از ازدواج را نفی می‌کند.

اینکه آیا خارج شدن یا خارج نشدن زن از خانه مصداق ضرر شمرده می‌شود تا با قاعده‌ی لاضرر حرمتش نفی شود نیز به گوناگونی برداشت‌های فقیهان از قاعده‌ی لاضرر بستگی پیدا کرد. بر اساس برخی دیدگاه‌ها بسیاری از آسیب‌هایی که با خارج نشدن زنان از خانه ممکن است متوجه ایشان شود ضرر شمرده نمی‌شود تا مشمول قاعده‌ی لاضرر شود، اگر هم ضرر شمرده شود لازمه‌ی برخی دیدگاه‌ها این بود که اجرای قاعده‌ی لاضرر بر عهده‌ی حاکم باشد نه بر عهده‌ی خود مکلفان، ضررهای دوگانه نیز در چهار فرض فقهی بررسی شد.

در صورت پذیرش این نکته که پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در تبیین احکام اجتماعی اسلام روش‌ها و رویکردهایی داشتند که موجب تبدیل شدن این احکام به فرهنگ یا دست کم عادات رفتاری مردم می‌شد نمی‌توان از سازگاری یا ناسازگاری برداشت‌های فقهی فهمنده‌ی امروزی احادیث با این روش‌ها و رویکردها - که خود قرینه‌ای برای فهم معنای این احادیث است - غافل شد. در این مقاله عیان شد که به این روش‌ها و رویکردها به مثابه یک قرینه‌ی مهم برای فهم برخی احادیث به

بازپژوهی خروج از منزل بدون اذن شوهر از منظر قاعده‌ی لاضرر

اندازه‌ی کافی توجه نشده است بدان امید که در مطالعات بعدی به این دغدغه - که در این مقاله فقط در حد یک پرسش طرح شد- رسیدگی شود.

منابع

- ◀ آملی، میرزا محمد تقی ۱۳۸۰ق. مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، تهران، مؤلف.
- ◀ ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) ۱۴۱۳ق. من لا یحضره الفقیه، قم، اسلامی.
- ◀ اردبیلی، احمد بن محمد. زیادة البیان فی أحكام القرآن، تهران، المكتبة الجعفریة لإحياء الآثار الجعفریة.
- ◀ اصفهانی، سید ابوالحسن و سید روح الله خمینی ۱۳۸۰ ش. وسیلة النجاة، قم، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ◀ اصفهانی، فتح الله (شیخ الشریعة) ۱۴۱۰ق. قاعدة لاضرر، قم، اسلامی.
- ◀ انصاری، مرتضی ۱۴۱۹ق. فرائد الاصول، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
- ◀ _____ ۱۴۱۵ق. کتاب المکاسب، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- ◀ بجنوردی، حسن بن آقا بزرگ ۱۴۱۹ق. القواعد الفقهیة، قم، الهادی.
- ◀ بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم ۱۴۰۵ق. الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم، اسلامی.
- ◀ بروجردی، سید حسین ۱۴۱۵ق. نهاية الاصول، تفکر.
- ◀ تبریزی، میرزا جواد ۱۳۸۰ش. المسائل المنتخبة، قم، دارالصدیقه الشهیده.
- ◀ جمعی عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی) ۱۴۱۳ق. مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم، المعارف الإسلامیة.
- ◀ حائری مازندرانی، شیخ محمد بن اسماعیل ۱۴۱۶ق. منتهی المقال فی أحوال الرجال، قم، آل

- البيت (ع).
- حلی، حسن بن یوسف (علامه) ۱۴۱۳ق. قواعد الأحكام فی معرفه الحلال و الحرام، قم، اسلامی.
- حلی، نجم الدین جعفر بن حسن (محقق) ۱۴۰۸ق. شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، اسماعیلیان.
- حمیری، عبدالله بن جعفر ۱۴۱۳ق. قرب الإسناد، قم، آل البيت.
- خوئی، سید ابوالقاسم ۱۴۱۷ق. الهدایة فی الأصول، قم، صاحب الأمر (ع).
- _____ . موسوعة الإمام الخوئی، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- _____ ۱۴۱۰ق. معتمد العروة الوثقی، قم، المطبعة العلمیه.
- _____ ۱۳۹۸ق. معجم رجال الحدیث، آثار الشیعه.
- _____ ۱۴۱۸ق. فقه الشیعه، قم، آفاق.
- سبزواری، سید عبدالأعلى ۱۴۱۳ق. مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام، قم، دفتر آیه الله سبزواری.
- صدر حسینی، سید علیرضا. «حکم خروج زن از منزل بدون اجازة شوهر»، www.sadrsite.com
- طباطبایی حکیم، سید محسن ۱۴۱۶ق. مستمسک العروة الوثقی، قم، دار التفسیر.
- طباطبایی، سید علی (صاحب ریاض) ۱۴۱۸ق. ریاض المسائل فی تحقیق الأحكام بالدلائل، قم، آل البيت (ع).
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن ۱۳۸۷ق. المبسوط فی فقه الإمامیه، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
- عاملی، محمد بن علی موسوی ۱۴۱۱ق. مدارک الأحكام فی شرح عبادات شرائع الإسلام، بیروت، آل البيت (ع).

- ◀ علی بن جعفر (ع) ۱۴۰۹ق. مسائل علی بن جعفر، قم، آل البيت (ع).
- ◀ علیدوست، ابوالقاسم ۱۳۸۸ش. فقه و مصلحت، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ◀ فاضل لنکرانی، محمد موحدی ۱۴۲۱ق. النکاح (تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة)، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
- ◀ _____، جامع المسائل.
- ◀ کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب ۱۴۰۷ق. الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- ◀ مامقانی، عبدالله بن محمد حسن. حاشیة علی رسالہ لا ضرر.
- ◀ _____ ۱۳۵۲ق. تنقیح المقال فی علم الرجال، نجف، المطبعة المرتضویة.
- ◀ مجلسی، محمد باقر (علامه) ۱۴۰۴ق. بحار الأنوار، بیروت، الوفاء.
- ◀ مکارم شیرازی، ناصر ۱۴۲۲ق. بحوث فقهیة هامه، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
- ◀ _____ ۱۴۱۱ق. القواعد الفقهیة، قم، مدرسه امام امیر المؤمنین (ع).
- ◀ موسوی الخمینی، سید روح الله ۱۳۸۵ش. الرسائل، قم، اسماعیلیان.
- ◀ نائینی، میرزا محمد حسین ۱۳۷۳ق. منیة الطالب فی حاشیة المکاسب، تهران، المكتبة المحمدیة.
- ◀ نجفی، محمد بن حسن. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- ◀ نرم افزار گنجینه آرای فقهی - قضایی، دفتر آموزش روحانیون و تدوین متون فقهی معاونت آموزش قوه قضائیه،

➤ <http://www.lankarani.ir>

➤ <http://www.makaremshirazi.org>